

مذاکرات

اولین تأثیر



سیدمحمد بهشتی

● آنچه در صورت به‌دست‌آمدن تهاقم بیش از پیش ایجاد خواهد شد، تلطیف چهره ایران در اذهان جامعه جهانی است. متأسفانه از فردای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد سرمایه‌گذاری‌های عظیم رسانه‌ای برای ارائه تصویری خاص از ایران به جامعه جهانی بوده‌ایم. این روند که به باعث شده است افکار عمومی تصویر مثبتی از ایران نداشته باشند. ارائه این تصویر سیاه از ایران، زبان‌های بسیار هنگفتی را متوجه کشور ما کرده و شاید بتوان گفت درهای زیادی را روی ما بسته است. جالب اینجاست که در طول این مدت هر توریستی که به ایران آمده، موقع ترک کشورمان کاملاً متعجب بوده است. تعجب توریست‌ها از بازدید ایران نشان از خلاف‌واقع‌بودن تصویری دارد که رسانه‌های بیگانه درباره ایران ارائه می‌دهند. اگر چه ساخت چنین تصویری از ایران مختص موضوع هسته‌ای نیست، اما در صورت حصول توافق در زمینه مسائل هسته‌ای، این تصویر اگر نکویم می‌شکند، تا حد زیادی قدرتش را از دست می‌دهد. رونق گردشگری خارجی در ایران پس از آغاز مذاکرات در دولت جدید و استقبال بی‌سابقه گردشگران خارجی از ایران در این مدت خود نشان‌دهنده تأثیر این مذاکرات است. اگرچه هنوز توافق قطعی به دست نیامده ولی این موضوع نتیجه طبیعی تلاش هیأت مذاکره‌کننده هسته‌ای برای پیشبرد مذاکرات در جهت مثبت است و از همین‌رو توافق نهایی می‌تواند در تلطیف تصویر ایران در جامعه جهانی اثرگذار باشد. حتی می‌توان گفت اولین تأثیر محسوس و مشهود مذاکرات همین موضوع است زیرا تأثیر توافق هسته‌ای و برداشته‌شدن تحریم‌ها در حوزه اقتصاد و سایر حوزه‌ها زمان‌بر خواهد بود. احساس عمومی نسبت به موضوع مذاکرات هسته‌ای هم همین است که اگر تفاهمی بین ما و شش قدرت جهانی صورت گیرد، می‌تواند مقدمه گشایش‌هایی در همه عرصه‌ها باشد ولی این گشایش‌ها بلافاصله نخواهد بود. به‌همین دلیل در کنار آثار دیگری که رفع تحریم‌ها بر حوزه‌های مختلف علم، دانش، فرهنگ، هنر، اقتصاد و... خواهد داشت، تأثیر آن بر جایگاه ایران در میان کشورهای جهان، تأثیری غیرقابل انکار است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۹۴ • ۱۲ رمضان ۱۴۳۶ • ۲۹ ژوئن ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۳۶ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کار تون خواب

مهدی عزیزی



سینمای هنر و تجربه تقدیم می‌کند:

با عضویت در سایت **aecinema.ir** و خرید اولین بلیط اینترنتی فیلم های سینمایی هنر و تجربه می‌توانید از تخفیف ۳۰ درصدی در خریدهای بعدی بلیط سینماها استفاده نمایید.

هنر و تجربه
Art & Experience Cinema
www.aecinema.ir



aecinema.ir

cinematicket.org

آن‌سوی تاریخ

به مناسبت سالروز بمباران شیمیایی سردشت

امام با مقابله به مثل مخالفت کردند

جان‌برکف ما در ارتش، سپاه و بسیج و ابتکارات دیگر ایران از جمله جنگ‌های نامنظم به رهبری شهید مصطفی چمران ناتوان است. اقدام دیگر نمایندگان مجلس در این دوره، تفقد و دستگیری از مردم مظلوم شهرهای غربی کشور و کمک به آسیب‌دیدگان بود. یکی از بهترین اتفاقات در این دوران، سرکشی مستمر نمایندگان به این مناطق بود که باعث شده بود همه نمایندگان با مشکلات و ضرورت‌های این مناطق از نزدیک آشنا شوند. خود من مسئول اعزام نمایندگان به مناطق بودم و جالب اینجاست که هر هفته تعداد زیادی از نمایندگان برای حضور در جبهه‌ها و مناطق جنگی داوطلب می‌شدند. این اقدام هم باعث می‌شد خود نمایندگان برای انجام وظایفشان روحیه مضاعف بگیرند و هم شرایطی را به وجود آورده بود که نمایندگان از نزدیک شاهد جنایات دشمن باشند. به‌همین دلیل زمانی که در کمیسیون امور دفاعی مجلس، طرح، برنامه یا بودجه‌ای برای کمک به پیشبرد اهداف دفاع مقدس ارائه می‌شد، همه نمایندگان مجلس با آن موافقت می‌کردند بنابراین توانستیم در این دوران به تصویب قوانین زیادی در جهت تقویت بنیه دفاعی کشور دست بزنیم.

و خمپاره به مناطق مسکونی کشورمان در استان خوزستان و در دیگر استان‌های غربی کشور کرده بود. این خواست در میان بخشی از مردم به وجود آمده بود که کشور ما هم در مقابل، دست به مقابله به‌مثل بزند به‌خصوص بعضی از افراد و گروه‌ها به این موضوع با شعار «موشک جواب موشک» دامن می‌زدند و خواستار بمباران شهرهای عراقی بودند، اما حضرت امام‌خمینی(ره) هرگز اجازه این اقدام را ندادند. ایشان همواره می‌فرمودند نباید در مقابل اقدامات ضدانسانی و جنایات جنگی مقابله به‌مثل کرد زیرا غیرنظامی گناهی ندارند و اینکه خانه یک شهروند غیرنظامی را بر سرش خراب کنیم، جنایت است. ایشان تأکید داشتند که ما با ارتش عراق مواجه هستیم نه ملت عراق و خود ملت عراق نیز مورد ستم صدام حسین هستند. به‌همین دلیل به‌جای اقدام‌کردن به جنایت، با پیگیری جنایت جنگی صدام در مجامع بین‌المللی، در بیانیه‌ها و نطق‌های پیش‌ازدستور در مجلس همواره این جنایات را مطرح می‌کردیم و خواستار رسیدگی به آنها بودیم. بمباران شیمیایی شهر سردشت یکی از وحشیانه‌ترین این‌جنایات بود که نشان می‌داد ارتش بعثی عراق در میدان جنگ و دربرابر نیروهای



رسول منتجب‌نیا

یکی از تلخ‌ترین خاطرات من به‌عنوان نایب‌رئیس کمیسیون امور دفاعی دومین دوره مجلس شورای اسلامی، بمباران شیمیایی مناطق غربی کشور و سردشت بود که به معنی واقعی کلمه، جنایت جنگی محسوب می‌شد. در آن زمان این کمیسیون به ریاست دکتر حسن روحانی وظایف متعددی برعهده داشت که یکی از آنها سرکشی و بازدید مستمر از جبهه‌های جنوب و غرب کشور بود. نمایندگانی که از سوی این کمیسیون برای بازدید از مناطق بمباران‌شده اعزام شده بودند، گزارش‌های بسیار تلخی را ارائه می‌کردند و ما در این دوران مهم‌ترین وظیفه خود را رساندن صدای مظلومیت مردم سردشت به گوش دنیا می‌دانستیم. متأسفانه ما در دوران دفاع مقدس از ابتدا با پدیده جنایات جنگی صدام حسین و ارتش بعثی عراق مواجه بودیم. از همان ابتدای جنگ، وقتی ارتش عراق اقدام به بمباران‌کردن و پرتاب موشک، توپک

آچارکشی

همین که زنده‌ام باز هم جای شکرش باقیه



پوریا عالمی

– آقای دکتر سلام، من داغونم. فکر کنم با ماشین تصادف کردم و بعد به تریلی از روم رد شده و بعد افتادم در دره. خوب میشم؟
: بذار ببینم. کجات درد می‌کنه؟ اینجا؟ فکر کنم استخوانت شکسته.

– نه آقای دکتر. اونجام اصلا درد نمی‌کنه.
: عجیبه. اینجا باید استخوان‌های دکل‌ات باشه. چطور تو استخون نداری و هنوز سر پایی؟
– نمی‌دونم. دکل‌هام کو؟
: دکلرو ول کن عزیزم. کلیه‌هات که در پزشکی بهش میگیم خزانه بدن، هم نیست. یعنی خالی‌خالیه. مگه میشه جفت کلیه‌هات‌رو نداشته باشی؟

– کلیه هم ندارم؟ خزانه خالی‌ایه؟
: خزانه‌رو ول کن. کل رگ‌های زمینی و هوایی و ریلی‌ات به حال خرابی افتاده. نه گلبولی می‌تونه بره نه می‌تونه بیاد. این چه وضعه راه؟ راه ارتباط با خارجهت هم کلاً مسدوده و دهانت هم درست باز نمیشه.
– رگ‌هام هم تعطیله؟ دهانم بسته‌اس؟ ای بابا.

: رگ‌ها رو ول کن. مغزت هم از کار افتاده. یعنی عملاً پشت مجسمه‌ات به حفره به اندازه سوراخ بابک زنجانی در شهرک غرب مشخصه که معلومه از اونجا مغزرو به‌عنوان به دقیقه خالی کردند.
– مغزمو هم درآوردند و خوردند یا فرار مغزها شده؟
: مغزرو ول کن. شش‌هات پر از گردوغبار و خاشاکه. – می‌کم چرا تقسیم بالا نمیداد.
: نفس‌رو ول کن. چرا کچل شدی؟ توی پزشکی بهش میگیم از بین‌رفتن مراحع و جنگل‌ها. کی فروختی جنگل‌ت‌رو؟
– نمی‌دونم آقای دکتر.
: جنگل‌رو ول کن. چشم‌ت هم خشک‌خشکه. این چه وضعه دریاچه‌ارومیه و هامونته؟ چشم بدون آب کور میشه‌ها.

– می‌کم چرا چشم دیکه آب نمی‌خوره...
: چشم‌رو ول کن. بین خانوم شما همه‌جات درب و داغونه و خالییه. بینم تصادف کردی چیزی یادت نیست؟
– نه. فقط حس کردم چندتا تریلی و یه خاوری به این اندازه بُر از پول و طلا از روم رد شدن. یادمه از توی خاور صدای سلین دیون میومد...
: عزیزم نگران نباش. ولی فکر کنم هشت سال توی کما بودی و افتاده بودی ته دره. یادته کی نجاتت داد؟
– کسی نجاتم نداد آقای دکتر. دیکه از اینکه کاری نکنم خسته شدم واسه همین پا شدم اومدم بیرون.
: خب. آفرین. خیلی ظریف خودت‌رو نجات دادی.
– امیدو هست آقای دکتر؟ جایم صحیح و سالم مونده اصلاً؟

: ببین عزیزم قلبت داره می‌زنه و این خیلی مهمه. معلومه خیلی قلب بزرگی داری. دمت گرم. می‌خوای از راننده‌ای که زیرت کرد شکایت کنی؟
– نه آقای دکتر. همان هشت سال کسی شکایتی نکرد، الان خنده‌دار نیست من شکایت کنم؟ راستش همین که زنده‌ام باز هم جای شکرش باقیه.
: خیلی احساساتی شد. من اینجا باید بغض کنم و برم توی آقای قم شم. تو خیلی قوی هستی.

سعید برآبادی: به روایت آمار وزارت بهداشت، هر سال در ایران پنج تا هشت هزار نفر به دلیل مرگ مغزی فوت می‌کنند که تنها ۷۰۰ نفر آنها اهدای عضو می‌کنند و تقریباً هر روز هفت تا ۱۰ نفر به دلیل نرسیدن عضو پیوندی جان خود را از دست می‌دهند. این روایت اما در استان سیستان و بلوچستان به‌نظر، شکل وخیم‌تری به خود گرفته چراکه به اعتراف معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، در شش سال اخیر فقط یک مورد اهدای عضو در این استان صورت گرفته. بنابراین اهالی سیستان و بلوچستان مجبورند اعضای پیوندی مورد نیاز خود را یا از فروشندگان عضو خریداری کنند یا از اهداکنندگان سایر استان‌ها بگیرند. در این باره با دکتر کتابون نجفی‌زاده، رئیس اداره پیوند اعضا و بیماری‌های خاص وزارت بهداشت گفت‌وگو کردیم:

❧ سخنان معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان آمارنگران‌کننده‌ای از وضعیت اهدای عضو در این استان را نشان می‌دهد: چرا استان پهاواری مثل سیستان و بلوچستان باید در شش سال گذشته فقط یک مورد پیوند عضو داشته باشد؟
در مقطعی که وزارتخانه تصمیم گرفت دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور را در زمینه اهدا و پیوند عضو فعال کند، متأسفانه از سوی این استان هیچ نماینده‌ای معرفی نشد تا «فراهم‌آورانی» در این استان آموزش ببینند و کار در زمینه اهدای عضو را آغاز کنند. در آن زمان به‌سادگی می‌شد سیستان و بلوچستان را هم تحت‌پوشش قرار دادیم، همان‌طور که ۵۳ دانشگاه در سطح کشور در این طرح شرکت کردند اما عملاً، شرکت‌نکردن این استان در این طرح فرایر، باعث شد که مجبور شوند برای اهدا و پیوند عضو از استان‌های مجاور کمک بگیرند که طبیعتاً برای بمباران مشکلات ایجاد می‌کند و روش مناسبی نیست.

❧ به همین خاطر بیماران نیازمند عضو مجبورند به استان‌های دیگر مراجعه کنند؟
متأسفانه طبق آمار، حداقل ۲۰ مرگ مغزی و در واقع ۴۸ مرگ مغزی مناسب اهدا در برابر هریک میلیون نفر جمعیت در کشور اتفاق می‌افتد. بنابراین در استان ۲،۵ میلیون نفری سیستان و بلوچستان حداقل ۵۰ مورد اهدای عضو در سال باید انجام شود.

اتفاق

دفن امانی «شهریار عدل» بعد از یوشیچ و مصدق

در روز ۱۳دی‌ماه، پدر شعر نو فارسی تن به مرگ تسلیم کرد، اما مشکل اینجا بود که او در تهران فوت شده بود و وصیت‌نامه‌اش حکم می‌کرد او را برای دفن به یوش ببرند. ۳۴ سال بعد از آن ماجرا بود که با مشکلات فراوان وصیت‌نامه نیما به‌اجرا درآمد و پیکرش به خانه تاریخی‌اش در یوش بازگشت و در حیات آن خانه دفن شد. حسین شاه‌حسینی، از یاران مصدق، در خاطره‌ای که از مرگ او دارد، می‌گوید: «دکتر سجایی مدتی بعد از دفن دکتر مصدق در احمدآباد به من گفت: «شاه‌حسینی! محتمل است من زودتر از تو بمیرم. اگر تو زنده بودی کوشش کن به هر شکلی که می‌توانی دکتر مصدق را به این‌بابویه منتقل کنی. چون دکتر مصدق وصیت کرده است و من او را دفن کردم. اگر روزی این امکان فراهم شد و من نبودم، این جنازه را ببرید در این‌بابویه در کنار شهدای سوا می‌تیر دفن کنید». ولی هنوز همان‌جا به‌صورت امانت مانده است. نیم‌قرن از آن روز- چهاردهم اسفند ۱۳۴۹- که مصدق را در همان قلعه تبعیدگاهش به‌صورت امانی به خاک سپردند می‌گذرد، اما هنوز زمینه برای اجرای وصیت‌نامه‌اش فراهم نشده است.

هما نصرتی: پروفیسور شهریار عدل، دیروز این فرصت را نیافت که در مکان‌هایی که خود از بانیان یا حامیان‌ش بود، دفن شود. پیشنهادهایی چون دفن این استاد باستان‌شناسی در بسطام و شهری ر مخالفت‌هایی همراه شده بود و در نهایت تصمیم بر این شد که او را «فعلاً» و «به‌طور امانی» در بهشت‌رها(س) به خاک بسپارند؛ تصمیمی که با تعجب بسیاری از کارشناسان میراث‌فرهنگی، باستان‌شناسان برجسته کشور و ایران‌شناسان داخلی و خارجی مواجه شد. این تصمیم اما گویی سابقه‌ای طولانی دارد؛ پیش‌تر هم برخی از چهره‌های تأثیرگذار حوزه فرهنگ و سیاست کشور به‌صورت امانی در مکانی دفن شده‌اند و زمینه برای دفن آنها در مکانی مناسب یا مقرر فراهم نشده است. نیما یوشیچ فقط در حوزه شعر، شگنده ساختارهای رایج آن زمان و آغازکننده یک راه تازه نبود. مرگ او در یک روز سرد زمستان ۱۳۳۸ هم یک خرق عادت در پی داشت. چندروز قبل از آن دی‌ماه سرد، نیما را که از شدت تب‌ولرز به حالت موت افتاده بود، به تهران آوردند بلکه ذات‌الریه‌اش در پایتخت بهبود پیدا کند و حال او بهتر شود. اما این اتفاق نیفتاد. در نهایت درست